



شماره ثبت: ۲۶۰۲

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	قمار.....
۲	مرور گذشته
۲	چند قاعده فقهی.....
۲	طایفه سوم.....
۲	روایت اول:.....
۳	بررسی روایت از لحاظ سند
۳	بررسی روایت از لحاظ دلالت
۴	احتمالات در باب « سُحْتُ »
۴	نتیجه‌گیری
۵	روایت دوم.....
۵	بررسی روایت از لحاظ سند
۵	بررسی روایت از لحاظ دلالت
۵	احتمالاتی در باب تخم‌مرغ مذکور.....
۶	احتمالات در باب « لَهُ إِنْ فِيهِ »
۶	جمع‌بندی.....
۶	بحث کلامی روایت
۷	احتمال در باب « فَتَقَيَّأَ فَقَاءَهُ »
۷	جمع‌بندی کل روایت.....



قمار

مرور گذشته

بحث ما در مورد قمار بود. ادله آیات و روایات را بررسی کردیم. روایات بر چند طایفه دسته‌بندی کردیم.

۱. دلالت بر مرجوحیت مطلق می‌کند. در این طایفه دلالت بر حرمت تام ندارند ولی بر مرجوحیت مطلق دلالت می‌کند.

۲. طایفه دوم، روایاتی است که دلالت بر حرمت تکلیفی می‌کند.

۳. روایاتی که دلالت بر حرمت وضعی می‌کند.

چند قاعده فقهی

۱. اصل عدم تقیه است.

۲. به قراین منفصل، ظهورات را می‌توانیم تغییر بدهیم.

۳. ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در حکم واحد هستند.

۴. شرایط و قیودی که در بیان و خطاب نیامده است، دخالت در حکم ندارد.

طایفه سوم

طایفه سوم روایاتی است که دلالت بر حرمت وضعی دارند و اکتساب به آن را حرام می‌دانند.

این روایات در باب مایکتسب به، باب ۳۵ آمده است.

روایت اول:

به عنوان نمونه، روایت ۶ باب ۳۵ است.



شماره ثبت: ۲۶۰۲

«وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ يَنْهَى عَنِ الْجَوْزِ يَجِيءُ بِهِ الصَّبْيَانُ مِنَ الْقِمَارِ أَنْ يُكَلَّ وَ قَالَ هُوَ سُحْتٌ»^۱

در این روایت می‌فرماید، پیامبر (ص) مردم را از خوردن گردوهایی که بچه‌ها از قمار به دست می‌آوردند، منع می‌کرد. در ادامه می‌فرمود: این باطل و حرام است.

بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت از لحاظ سند مشکلی ندارد. دو نفر از روات این روایت دارای مشکلاتی هستند که تصحیح شده‌اند. یکی ابراهیم بن هاشم و دیگری نوفلی است. این دو از طرقی اصلاح می‌شوند.

این دو تن در روایات زیادی آمده‌اند. روایات زیادی نیز ایشان نقل کرده‌اند. در هر دو این روات، بحث‌های مشترکی است که عبارت‌اند از:

۱. روات کامل الزیارات هستند.

۲. روات تفسیر علی بن ابراهیم هستند.

۳. این دو از باب رجال مشهور بدون قدح هستند.

در نوفلی شکلی وجود دارد ولی در مجموع این دو شخصیت، قابل کنار گذاشتن نیستند. البته باید توجه داشت که سکونی قابل توثیق است.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

در این روایت دو احتمال وجود دارد:

^۱ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۶۶



شماره ثبت: ۲۶۰۲

۱. حضرت (ع) می‌فرمایند: گردویی که با آن قمار شده است، خورده نشود. اگر این باشد، دلیلی بر حرمت قمار نمی‌شود. زیرا گردو وسیله‌ی قمار است و از قمار به دست نیامده است.

۲. احتمال دوم این است که گردویی که از قمار به دست می‌آید، خوردنش حرام است. یعنی گردویی که از قمار کسب شده است. ظاهر روایت همین احتمال دوم است. یعنی گردویی که به واسطه قمار کسب کرده است.

همان‌طور که عرض شد، این روایت دلالت بر بطلان و حرمت می‌کند. ظاهر «نهی أَنْ يُؤْكَلَ» در تکلیف است. «نهی أَنْ يُؤْكَلَ» دو معنا دارد:

۱. ظاهر نهی تحریمی را بگیریم. لازمه‌ی آن حرمت است. به دلالت اقتضا، افاده به بطلان می‌کند. زیرا می‌گوید مالی که از قمار به دست آوردی، تصرف نکن. این نهی تکلیفی است. این نهی بدون بطلان، وجهی ندارد.

۲. احتمال دوم این است که «نهی أَنْ يُؤْكَلَ» کنایه از بطلان معامله است.

این دو حکم ملازم هستند، حرمت تصرف در مال که در معامله باطل به دست آمده است، با بطلان معامله ملازم هستند. اما دو دلیل وجود دارد، گاهی می‌گوییم دلیل حرمت تکلیفی را می‌گویید و بالملازمة بطلان را بیان می‌کنیم، گاهی نیز دلیل را کنایه از بطلان است و بطلان بالملازمة حرمت تکلیفی را بر عهده دارد. این دو حکم همزادند.

این تفاوت ممکن است یک ثمره‌ی فقهی داشته باشد. اما در اینجا، این دو بحث تفاوت اثری ندارند.

احتمالات در باب «سُحْتٌ»

«سُحْتٌ» بیشتر با حرمت تکلیفی سازگار است. در این صورت قرینه‌ای برای حرمت جمله‌ی قبلی است. اظهر در این روایت حرمت تکلیفی است که از آن بطلان به دست می‌آوریم.

نتیجه‌گیری

۱. ظهور روایت در حرمت تکلیفی است.

۲. حمل یک جمله بر کنایه، خلاف اصل است. اینکه جمله را کنایه از چیزی بگیریم، نیاز به قرینه‌ی قاطع دارد.



شماره ثبت: ۲۶۰۲

۳. در انتهای روایت «سُحْت» آمده است، که ظاهرش حرمت است و نشان‌دهنده این است که حرمت تکلیفی را روایت بیان می‌کند.

روایت دوم

روایت دوم همین باب مذکور است.

« وَ عَنْهُمْ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: بَعَثَ أَبُو الْحَسَنِ عَ غُلَاماً يَشْتَرِي لَهُ بَيْضاً فَأَخَذَ الْغُلَامُ بَيْضَةً أَوْ بَيْضَتَيْنِ فَقَامَرَ بِهَا فَلَمَّا أَتَى بِهِ أَكَلَهُ فَقَالَ لَهُ مَوْلَى لَهُ إِنَّ فِيهِ مِنَ الْقِمَارِ قَالَ فَدَعَا بِطُشْتٍ فَتَقَيَّأَ فَقَاءَهُ. »^۱

حضرت خادمی را برای خریدن تخم‌مرغ فرستاد. غلام با تخم‌مرغ قمار کرد و حضرت (ع) آن را خورد. یکی دیگر از غلامان به حضرت گفت، این تخم‌مرغ‌ها از راه قمار به دست آمده است. حضرت (ع) ظرفی را طلب کردند و استفراغ کردند تا تخم‌مرغ در وجود شریفشان نباشد.

بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت از لحاظ سند معتبر است. عبدالحمید بن سعید، توثیق خاص ندارد ولی توثیق عام ابن ابی عمیر را دارد.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

احتمالاتی در باب تخم‌مرغ مذکور

در این روایت دو احتمال وجود دارد:

۱. غلام رفت و قمار کرد و تخم‌مرغی که از ناحیه‌ی قمار به دست آورده بود را خوردند و بعد که حضرت فهمیدند استفراغ کردند. یعنی مالی بوده که از قمار به دست آمده است.

^۱ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۶۵



شماره ثبت: ۲۶۰۲

۲. احتمال دوم این است که پول داده و تخم مرغ خریده است، منتها با این تخم مرغ بازی و قمار کرده است. این مال القمار نبوده است. خود حضرت پول این تخم مرغ را داده است. ولی با این مال حلال، یک استفاده‌ی حرام شده است. این موجب، حرام شدن تخم مرغ نبوده است. حضرت در اینجا فقط احتیاط کرده‌اند.

احتمال دوم، اظهر است. این احتمال ظاهر خیلی قوی است.

در نتیجه این روایت ظهور در مورد مال به دست آمده از قمار ندارد. اما از جمله ذیل که در روایت آمده است: «إِنَّ فِيهِ مِنَ الْقِمَارِ» یعنی در آن چیزی که تناول کردید، از قمار به دست آمده است. این ظهور را تغییر می‌دهد. این ذیل باعث می‌شود که ما احتمال اول را اظهر بدانیم.

احتمالات در باب «لَهُ إِنْ فِيهِ»

دو جواب در اینجا وجود دارد، یک جواب این است که معنای «فی» با و همراه است. یک جواب دیگری این است که نسبتی با قمار دارد. و از قمار به دست نیامده است.

جمع بندی

همان طور که مشاهده کردید در قسمت قبل، احتمال دوم اظهر بود و در این قسمت، احتمال اول ظهور دارد. این دو ظهور با هم تعارض می‌کنند. ولی اصولاً ظهور ذیل، قرینیتی برای صدر دارد.

در نتیجه دو معنا دارد: یا اینکه باید بگوییم به خاطر ظهور لفظ، این مال از قمار به دست آمده است. اگر این احتمال بشود یک بحث کلامی به وجود می‌آید.

اگر تعارض کند، نمی‌دانیم روایت چه می‌گوید.

بحث کلامی روایت

همان طور که بیان شد، اگر روایت را به گونه‌ای بگیریم که تخم مرغ از مال حرام به دست آمده است. آیا حضرت (ع) می‌تواند حرام بخورد و وجود معصوم (ع) با حرام تغذیه کند؟



شماره ثبت: ۲۶۰۲

در اینجا حضرت تخم مرغ را بلعیدند ولی با مشکلاتی آن را دفع می کنند. این بعید است که از نظر کلامی اشکال داشته باشد. زیرا در خون و گوشت ایشان نرفته است.

احتمال در باب « فَتَقَيَّا فِقَاءَهُ »

اینکه بگوییم « فَتَقَيَّا فِقَاءَهُ » دلالت بر حرمت وضعی دارد، اشتباه است.

جمع بندی کل روایت

بنابراین اگر بگوییم حضرت وسیله ی قمار را خورده است، حکم جدیدی استفاده می شود و آن این است که وسیله ی قمار نیز حرام است. اگر هم بگوییم از قمار به دست آمده است، در این روایت بیش از کراهت استفاده نمی شود.